

زیر آسمانی بی رنگ و جلا زندگی می کنی

بر زمین تو، باران

چهره عشق هایت را پر آبله می کند

پرندگان همه مرده اند

در صحرایی بی سایه و بی پرندگی می کنی

آنجا که هر گیاه در انتظار سرود مرغی خاکستر می شود

(احمد شاملو)

## فاجعه ای ملی بنام محیط زیست

آرش برومند (a.bromand@negaresh.de)

اگر در مورد وضعیت محیط زیست کشورمان از فاجعه سخن برانیم مبالغه نکرده ایم. روزی نیست که خبر یک سانحه ناگوار زیست محیطی در رسانه های گروهی ج.ا به چاپ نرسد. نمونه های زیر گوشه هایی از ابعاد این فاجعه را آشکار می سازند.

### نمونه اول: ویرانگری و آلوده سازی جنگلها

جنگل که یکی از ارزشمندترین منابع ملی ماست، طی ۲۰ سال اخیر دچار آسیب های جدی شده است. بر اساس برآوردهای رسمی در دهه های اخیر مساحت جنگلی کشور از ۱۸ میلیون به ۱۲ میلیون هکتار کاهش یافته. روند ویرانگری جنگلها بگونه ای است که پیش بینی می شود کشور ما حدود ۲۲ سال دیگر از داشتن جنگل محروم شود. (۱) بر اساس آمارهای موجود مردم سالانه ۱ میلیون متر مکعب از چوب جنگل های شمال کشور را به مصرف سوختی می رسانند. (۲) در کنار پدیده جنگل بری و عقب نشینی جنگلها با پدیده آلوده سازی آنها نیز مواجهیم. بطور مثال روزانه حدود ۳۹۶ هزار تن زیاده تولیدی شهر رشت در منطقه ای در پارک جنگلی سراوان تخلیه می شود. (۳) با نابودی و آلوده سازی جنگلها فضای حیاتی گونه های بسیاری از گیاهان و جانوران از بین رفته و چرخه طبیعی دچار اختلال جدی شده است.

### نمونه دوم: آلوده سازی آبهای کشور

در کشور کم آبی چون ایران منابع آبی مهم ترین منبع طبیعی بشمار می روند. متأسفانه اهمال در حفاظت از این منابع تا اندازه ای است که توجه محافل بین المللی را نیز بخود جلب کرده است. از ۲۰ تالاب کشور که در فهرست های بین المللی ثبت شده اند، ۷ تالاب و پیش از همه تالاب انزلی در فهرست «مونترو» قرار دارد. این فهرست شامل تالابهایی است که بر اثر دخالت های ناروای انسانی در وضعیت بحرانی بسر می برند.

آلوده سازی منابع آبی رو و زیر زمینی کشور به شکلهای بسیار متنوعی صورت می گیرد. تالابها، رودها و منابع آبی کشور به انبار و محل دفن مواد سمی، پسماندها، پسابهای خانگی و کشاورزی و زهرآبهای صنعتی تبدیل شده. سالانه حدود ۵۰۰ میلیون تن رسوبات فقط در تالابها نشست می کند. از دیگر نمونه های تخریب منابع آبی کشور، اجرای طرحهای «عمرانی» توسط افراد غیر کارشناس است. بعنوان مثال بنا به گزارش های رسمی بنیاد مستضعفان سال پیش ۱۵۰۰ هکتار زمین نمکزار را در منطقه جلگه و بن رود ورزنه برای اجرای «طرحهای کشاورزی» خریداری کرد. آبیاری این نمکزارها بدون عملیات زهکشی و کارشناسی موجب گردید که آب شور از این زمینها برودخانه زاینده رود و تالاب گاوخونی وارد شده و ضمن از بین بردن ۱ میلیون ماهی و صدها پرنده مهاجر، به سایر زمینهای کشاورزی منطقه که از آب زاینده رود استفاده می کنند، نیز خسارت زیادی وارد آید. (۴)

به این سیاهه جنایتهایی نظیر مسموم کردن آنها برای ماهیگیری را نیز باید افزود. برای مثال در گچساران عده ای بمنظور صید ماهی با ریختن کلر در رودخانه «بابا کلان» بخش عظیمی از این رودخانه را آلوده کرده اند. بطور همزمان در بوشهر نیز چنین جنایتی رخ داده که در جریان آن بیش از ۱/۵ میلیون قطعه ماهی تلف شده اند. (۵)

### **نمونه سوم: نابودی زمینهای کشاورزی و مراتع**

استفاده روزافزون از زمینهای کشاورزی برای ساختمان سازی و قطع درختان باغها بمنظور استفاده از اراضی آنها در ساختمان سازی از دیگر نمونه های ویرانگری محیط زیست در ایران اند. بعنوان مثال در منطقه کلاردشت در شمال ایران بر روی زمینهای کشاورزی ساختمان سازی می شود. (۶) افزون بر این بر اساس داده های رسمی سالی ۳ هزار هکتار از زمینهای کشاورزی استان گیلان بدلیل رشد صنعت از بین می رود. (۷)

مراتع کشور نیز از نابودی مصون نمانده اند. به گفته معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست در ۳۰ سال گذشته بیش از ۳۰٪ مراتع کشور به بیابان تبدیل شده است. (۸) به گفته رئیس سازمان جنگلها و مراتع هر ساله ۱/۵ میلیارد تن خاک بر اثر فرسایش از بین می رود. (۹)

### **نمونه چهارم: بخطر افتادن حیات گونه های گیاهی و جانوری**

در نتیجه رشد سرطانی شهرها، جاده کشی ها و «پروژه های عمرانی» بی حساب و کتاب فضای حیاتی انواع گونه های جانوری و گیاهی نابود شده و بسیاری از این گونه ها در خطر انقراض نسل قرار دارند. بطور مثال سالیانه ۱۰۸ میلیون بچه ماهی خاویاری توسط شیلات گیلان در تالاب انزلی رها می شود که بدلیل آلودگی شدید این تالاب و رودخانه ها بیش از ۴۰ تا ۵۰ میلیون بچه ماهی تلف می شوند. (۱۰) به همین سبب بطور فزاینده ای تعداد ماهیان خاویاری رو به کاهش است.

به گفته مدیر کل منابع طبیعی خوزستان حدود ۹۰٪ طرحهای عمرانی عامل فرسایش عرصه های مرتعی هستند. (۱۱) علیرغم آگاهی مسئولان کشور از نتیجه ویرانگر طرح ها و برنامه های شان، این پروژه ها با جدیت تمام و بدون تجدید نظر در نحوه اجرای شان دنبال می شوند. یک نمونه بارز، طرح ایجاد بزرگراه تهران - شمال است که قرار است دقیقا در قلب منطقه حفاظت شده البرز شمالی و جنوبی صورت بگیرد. به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست مازندران این بزرگراه بدلیل قطع راهروهای زیست گیاهی و جانوری باعث اختلال شدید در مهاجرت و فرایند حیاتی تغذیه و تولید مثل گیاهی و جانوری شده، چرخه زیست محیطی منطقه را مختل کرده و فاجعه محیط زیستی بدنبال خواهد داشت. (۱۲)

شکار بی رویه نیز نقش مهمی در نابودی گونه های جانوری در کشور ما داشته و دارد. نسل یوزپلنگ مانند شیر و ببر در ایران رو به انقراض است. هم اکنون تعداد یوزپلنگ ها ۴۰ قلاده تخمین زده می شود. همچنین صید پرندهگان شکاری نظیر بخری، دلپچه، باز و شاهین برای صادرات به کشورهای خلیج فارس باعث شده که این پرندهگان در فهرست جانوران کمیاب قرار گیرند. به این فهرست گوزن «مرال» و نهنگ خلیج فارس را نیز باید افزود.

### **نمونه پنجم: ویرانگری محیط زیست شهری**

در کشوری که محیط زیست گیاهی و جانوری اش بشدت آلوده و ویران شده است، از آبادانی محیط زیست انسانی نیز خبری نیست. امروزه شهرهای ایران که مرکز تجمع بخش عمده جمعیت کشورند، به مراکز آلوده سازی محیط زیست تبدیل شده اند.

روزانه در سطح کشور حدود ۳۸ هزار تن زباله (۱۳) و سالانه حدود ۱۱ میلیون تن مواد زاید جامد خانگی تولید می شود. (۱۴) از آنجا که در کشور ما فن آوری و فرهنگ بازیافت زباله بسیار ضعیف است، بخش عمده زباله ها یا به

رودخانه‌ها ریخته می‌شود، یا دفن می‌گردد و یا سوزانده می‌شود. بدلیل کاربرد فزاینده مواد شیمیایی در وسایل خانگی که در چرخه طبیعی جذب ناپذیرند این شیوه دفع زیاله موجب مسمومیت آب، هوا و خاک شهرها و حومه شهرها می‌گردد. در این میان آلودگی هوا بدرجه‌ای رسیده است که رسانه‌های گروهی از هوای شهرها با صفت کشنده یاد می‌کنند. افزایش بیماری‌های ریوی، سرطان و سکت قلبی که به گفته وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از عوارض آلودگی هواست (۱۵)، نشان می‌دهد که اطلاق این صفت به هوای شهرهای کشور کاملاً بجاست. در این میان به لحاظ آلودگی هوا، تهران نه تنها در سطح کشور جای اول را دارد، بلکه در سطح بین‌المللی نیز مقام شاخصی را بخود اختصاص داده است. آلودگی هوای تهران بحدی رسیده است که هر از گاهی مدرسه‌ها تعطیل می‌شوند و به کهنسالان توصیه می‌شود که از خانه‌های خویش بیرون نیایند. ساکنان تهران روزانه ۱۶ تن ذرات لاستیک، ۷ تن آزیست لنت ترمز و ۵ تن سرب تنفس می‌کنند. در چنین شرایطی یکی از راههای مؤثر مبارزه با آلودگی هوا گسترش درختکاری و فضای سبز شهری است که متأسفانه نه تنها توجهی به این امر نمی‌شود، بلکه بخاطر قطع درختان از فضای سبز موجود شهری نیز کاسته می‌شود. موارد زیر مثنی نمونه خروارند:

- ۴ هزار اصله درخت در کرج قربانی ساختمان سازی شد. (۱۶)

- نماینده گیلان در مجلس شورای اسلامی: «نمی‌دانم شهرداری چه طرح ممتازی دارد که باعث شده درختان کهنسال باغ ملی را قطع کنند.» (۱۷)

- در همدان دست اندرکاران شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ۶۰۹ اصله درخت کهنسال را در باغی واقع در محله سعیدیه که متعلق به این شرکت است بمنظور توسعه فضای ساختمانی قطع کردند. (۱۸)

- تعاونی مسکن وزارت کشاورزی برای ایجاد شهرک، پارک سرخه حصار را خراب کرد. (۱۹)



نمونه‌های کلی برشمرده شده نشانگر روندی ویرانگر با ابعاد ملی است، که متأسفانه نشانه‌ای از کند شدن آن حتی در افق دور دست بچشم نمی‌خورد. برای متوقف ساختن چنین روندی در درجه نخست آگاهی از علتها و عوامل آن ضروری است.

## علتها و عوامل فاجعه زیست محیطی

شاید بتوان بر اساس نمونه‌های پیشگفته دلیل‌های زیر را بمثابه عامل‌های اصلی فاجعه زیست محیطی در کشور برشمرد:

### ۱- شهروندان از خود بیگانه

بنظر نگارنده مهمترین عامل ویرانگری محیط زیست کشور ما از خود بیگانگی شهروند ایرانی نسبت به محیط زیست خویش است. بدیهی است آنکه از خود - بمثابه جزئی از طبیعت - و حقوق خویش غافل است، از محیط زیست طبیعی خویش نیز غافل باشد. بر پایه این از خود بیگانگی و غفلت حاصل از آن است که اکثریت شهروندان ایرانی - که با هیولای فقر دست و پنجه نرم می‌کنند- برای تداوم بقای خویش دغدغه محیط زیست را ندارند و به بهره‌برداری بی‌اندازه از منابع طبیعی - نظیر جنگل‌بری، استفاده از فضای جنگلی برای چرای دام‌ها، صید بی‌رویه، مسموم کردن آنها برای صید ماهی و ... - می‌پردازند. شکل عالی‌تر این پدیده، از خود بیگانگی در مقیاس ملی است که بر اساس آن ملت ایران در برابر غارت و ویرانی منابع طبیعی کشور بی‌تفاوتی پیشه کرده.

### ۲- دستگاه حکومتی

نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که سهم مهمی از فاجعه زیست محیطی کنونی بعهده دستگاه حکومتی است. بخشی از حکومتگران بدلیل ناآگاهی و بی‌تدبیری، بخش دیگر بدلیل انحصار طلبی - که مانع بکارگیری متخصصان از جمله کارشناسان محیط زیست در سیاست‌گذاریها می‌شود- و گروهی دیگر بدلیل سودجویی‌های کوتاه‌نظرانه به تدوین و اعمال سیاستهای ویرانگر محیط زیست می‌پردازند. نمونه اخیر از چنین سیاست‌گذاری‌های سودجویانه صدور اجازه شکار بی‌حساب و کتاب به شکارچیان ایتالیایی در مقابل دریافت دلار از شکارچیان برای هر قطعه شکار است.

نتیجه چنین سیاستهایی در دو دهه گذشته عبارت بوده است از رشد سرطانی جمعیت کشور، فلج شدن کشاورزی، هجوم روستاییان به شهرهای فاقد ظرفیت‌های زیربنایی، گسترش بی‌رویه شهرها، اجرای «برنامه توسعه» دیکته شده از سوی مراکز مالی و اقتصادی بین‌المللی که منجر به تشدید غارت منابع طبیعی و تخریب محیط زیست شده، پیاده کردن طرحهای «عمرانی» بدون سنجیدن پیامدهای زیست محیطی آنها، بکارگیری ابزار و فن‌آوریهای فرسوده و عقب مانده آلاینده محیط زیست و ...

تأسف آور اینجاست که سیاست‌گذاران نظام اسلامی بجای تلاش برای حل مسأله، کوشیده‌اند صورت مسأله را پاک کنند. بخشی از حکومتگران با قدن کردن نقد و گفتگو در مورد فاجعه محیط زیستی در کشور می‌کوشند بر سهل‌انگاری‌ها، بی‌تدبیری‌ها و کوتاهی‌های خویش طی ۲۰ سال حکومت اسلامی سرپوش گذارند. کما اینکه چندی پیش خانم خدیجه حاج دینی مقدم - از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین - بجرم «اقدام علیه امنیت کشور و اعلام اینکه مدیریت ایران به تخریب محیط زیست پرداخته» (۲۰) دادگاهی شد.

اسفبارتر از این طرز برخورد، سؤاستفاده بخشی از حکومتیان از بحران محیط زیستی برای اثبات بنیادهای نظری تکنولوژی‌ستیزانه و کهنه‌گرایانه حکومت اسلامی است. چنانکه آقای محقق داماد مدعی شده است: «مستقیم به سراغ تکنولوژی

رفتن نتیجه‌ای جز این بحران زیست محیطی ندارد. تکنولوژی آفت محیط زیست است و زمین را به فساد کشانده است. (۲۱) آنچه که در این طرز نگرش، آگاهانه یا ناآگاهانه نادیده گرفته می‌شود آنست که عامل «به فساد کشاندن» زمین نه خود فن آوری بلکه شیوه کاربرد آن در چارچوب چنان مناسبات اجتماعی است که با فن آوری ناسازگار است. واقعیت آنست که فن آوری جزء جدایی‌ناپذیر مناسبات امروزی است و نمی‌توان از آن دست شست. دیگر بازگشت به مناسبات فئودالی امکان‌پذیر نیست و مشکلات جامعه صنعتی راه حل ماقبل صنعتی ندارد. مشکلات زیست محیطی ناشی از کاربرد بی‌حساب و کتاب تکنولوژی را نیز تنها با دستاوردهای علم و فن آوری نوین می‌توان و باید برطرف کرد. اما مشکل اینجاست که بر اثر تلاش حکومت اسلامی طی ۲۰ سال اخیر با هدف به عقب برگرداندن چرخ تاریخ و احیای مناسبات اجتماعی و اقتصادی کهن، صنایع، فن آوری و محصولات آنها در کشور ما همپای زمان پیش نرفته و دچار عقب ماندگی و فرسودگی مفراط گردیده‌اند. در این رابطه می‌توان به خودروهایی فرسوده در کشور اشاره کرد که طبق داده‌های رسمی ۵۰٪ آلودگی هوا را تولید می‌کنند. (۲۲) بدیهی است، صنایعی که متعلق به دوران رشد بی‌اعتنا به محیط زیست در جهان‌اند، آفت محیط زیست‌اند. برنامه‌های «توسعه» حکومت اسلامی نیز طی ۲۰ سال گذشته کشور ما را عمدتاً به وارد کننده صنایع از رده خارج شده و ویرانگر محیط زیست از کشورهای صنعتی تبدیل کرده است.

### ۳- بحرانهای منطقه‌ای

از دیگر عوامل آلوده کننده محیط زیست بحرانهای اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی منطقه‌ای است که بطور مستقیم بر وضع محیط زیست کشور ما تأثیر دارد. جنگ هشت ساله ایران و عراق علاوه بر خسارتهای جانی فراوان، زیانهای جدی نیز به محیط زیست ما وارد آورد. یکی از پیامدهای این جنگ نابودی صدها هزار اصله نخل بوده است. هنوز مدت زیادی از «جنگ نفت» در خلیج فارس و آتش گرفتن چاههای نفتی کویت که منجر به آلودگی شدید هوا و بارش باران سیاه در استانهای جنوبی و غربی کشور شد، نمی‌گذرد. استخراج نفت در خلیج فارس و حضور ناوهای جنگی آمریکایی و انگلیسی در این منطقه محیط زیست خلیج فارس را بشدت بخطر انداخته است. بر اساس داده‌های رسمی «۳ تا ۸ میلیون تن پساب نفتی... در اثر استخراج و تردد نفتکش‌ها وارد آبهای این منطقه می‌شود.» (۲۳)

سیاستهای دولت آذربایجان مبنی بر بازگذاشتن دست شرکتهای نفتی برای استخراج نفت از دریای خزر بدون اتخاذ تدابیر زیست محیطی آب دریای خزر را بطور بی‌سابقه‌ای بویژه در مرزهای آبی ما آلوده کرده و بسیاری از جانوران و گیاهان دریایی را با خطر انقراض نسل مواجه ساخته است.

### جنبش «سبز» در ایران

با توجه به آنچه برشمرده شد حفظ محیط زیست به یکی از مبرم‌ترین خواستههای ایرانیان آگاه و دوراندیش تبدیل شده است. وضع رقت بار محیط زیست کشور ما در سالهای اخیر تحولی در آگاهی اجتماعی قشرهایی از جامعه ایران ایجاد کرده، بگونه‌ای که امروز می‌توان از «جنبش سبز» در ایران سخن گفت. این جنبش که در قالب سازمانها و گروههای غیر دولتی در داخل و خارج کشور تجسم می‌یابد، در حال حاضر بخش مهمی از جامعه مدنی در ایران را تشکیل می‌دهد. بر اساس داده‌های رسمی تا سال ۱۳۷۷، ۴۰ تشکیل محیط زیستی در کشور وجود داشته است. برخی از این تشکلهای عبارتند از: جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، جبهه سبز ایران، دوچرخه سواران طرفدار محیط زیست، جمعیت طرفداران محیط زیست در نقده، انجمن متخصصان محیط زیست ایران، انجمن حفظ محیط کوهستان، جمعیت جوانان حامی طبیعت (آوای سبز)، پیام سبز اصفهان، انجمن دوستداران حیوانات، حامیان اندیشه سبز، انجمن توسعه و بهبود کیفیت ایران، گروه سبز نوجوان، جمعیت واقفین سبز، جمعیت سبزاندیشان جوان، همیاران جوان، سبزپوشان.

بعنوان نمونه از تشکلهای جنبش سبز در خارج از کشور می‌توان از «حزب سبزهای ایران» نام برد. از ویژگیهای جنبش سبز در ایران آنست که این جنبش تنها در حد چند شهر بزرگ محصور نمانده و دامنه آن به شهرهای کوچک نیز کشیده شده است. در این جنبش زنان، جوانان، دانشجویان و برخی کارشناسان محیط زیست نقش فعالی بازی می‌کنند. بعضی از فعالیتهای آنها، شعارها و کارزارهای جنبش سبز در ایران تا کنون عبارت بوده‌اند از:

- برگزاری تور دوچرخه سواری در ایران با شعار «زمین را سبزتر و آسمان را آبی تر کنیم.»
- برگزاری مراسم به مناسبت ۱۳ فروردین روز احسان به طبیعت توسط «جبهه سبز ایران»
- برگزاری همایش بزرگ دوچرخه سواران با شرکت ۷۸۷ دوچرخه سوار کودک، پیر و جوان
- پاکسازی کوهستانهای تبریز به مناسبت سوم مهر روز جهانی پاکسازی کوهستانها با همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی، استانداری و معاونت خدمات شهری شهرداری تبریز
- جمع آوری بیش از ۲ تن زباله از ساحل بندر انزلی در یک اقدام مشترک از سوی طرفداران محیط زیست، سبزپوشان، همیاران جوان، جمعیت زنان مبارزه با آلودگیهای محیط زیست استان گیلان و با همکاری شهرداری بندر انزلی
- پاکسازی منطقه دشت لار و محوطه اطراف رودخانه سد لار با مشارکت ۴۰۰ عضو جمعیت جوانان حامی طبیعت (آوای

(سبز)

- صدور بیانیه در اعتراض به تخریب پارک سرخه حصار توسط تعاونی مسکن وزارت کشاورزی برای ایجاد شهرک مسکونی  
- صدور بیانیه از سوی انجمن دوستداران حیوانات در اعتراض به ریختن ۲۷ هزار لیتر مواد نفتی در رودخانه شهرستان دورود

- طرح خواست تدوین سیاست ملی زیست محیطی از سوی جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست  
- برگزاری جشنواره فیلم سبز در تهران و ۷ شهر  
- دعوت جبهه سبز ایران از مردم برای کاشت نهال در ارتفاعات شمال تهران  
- سازماندهی راهپیمایی گروهی از کودکان پیش دبستانی در مشهد از سوی جمعیت زنان خراسان و جمعیت مبارزه با آلودگی محیط زیست با خواسته توجه پدران و مادران به مضرات آلودگی هوا  
- برپایی راهپیمایی و گردهمایی در مقابل رودخانه زرجوب رشت با خواسته جلوگیری از آلوده سازی این رودخانه  
- سازماندهی پاکسازی کوههای شمال تهران توسط جمعیت سبزاندیشان  
- صدور اعلامیه از سوی جبهه سبز ایران در مورد وضعیت بحرانی تالابها، مردابها و آب بندهای کشور و از جمله تالاب انزلی و در اعتراض به بی توجهی و نگرش نادرست مردم و مسئولان  
- سازماندهی گردهمایی در مقابل هتل آزادی رامسر - محل برگزاری همایش ملی «مدیریت جنگلهای شمال و توسعه پایدار» - توسط جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست و گروه سبز در اعتراض به تخریب جنگلهای شمال کشور  
- هشدار جبهه سبز ایران در مورد خطر انقراض نسل گوزن مرال

### چند نکته در مورد جنبش سبز ایران

شواهد عینی دلالت بر آن دارند که بحران زیست محیطی در کشور ما تداوم خواهد یافت. در چنین صورتی تنها رشد و گسترش جنبش سبز در کشور ما - بمشابه تبلور آگاهی شهروند ایرانی نسبت به پیرامون خویش - می تواند بر توسن این بحران دهنه بزند. بنظر نگارنده نکات زیر نقش مهمی در رشد و گسترش جنبش سبز دارند:

۱- رمز موفقیت جنبش سبز در ارتقای آن به جنبشی در سطح ملی است و این نیز میسر نیست جز از راه ارتقای آگاهی هموطنان ما. با توجه به ترکیب سنی جمعیت ایران، جلب توجه جوانان کشور به اهمیت هدفهای این جنبش، از اولویت ویژه ای برخوردار است. سازماندهی فعالیت در مدرسه ها و دانشگاهها، تلاش برای گنجاندن مطالبی در مورد محیط زیست در مواد درسی مدرسه ای و دانشگاهی، سازماندهی اقداماتی با شرکت جوانان در حفظ و پاکسازی محیط زیست، جلب توجه جوانان به موضوع حفظ محیط زیست از طریق برپایی مسابقه ها، ترتیب دادن نمایشگاه عکس و تلاش برای تهیه فیلم از ویرانی های موجود زیست محیطی و ....

۲- یکی از شرطهای مهم موفقیت جنبش سبز در ایران مستقل ماندن این جنبش از دولت و سازمانهای سیاسی است. تا زمانیکه این جنبش مستقل از دولت است، می تواند برنامه ها و طرح های «عمرانی» دولت را از دید زیست محیطی به نقد بکشد. مستقل ماندن جنبش سبز از سازمانهای سیاسی نیز موجب خواهد شد که این جنبش تابع مصلحت گرایی های این یا آن سازمان سیاسی نباشد. سازمانهای سیاسی بنا به مصالح شان ممکن است گاه در برابر تخریب محیط زیست سکوت پیشه کنند و یا بخاطر جلب مردم از انتقاد به سنت های نادرست که ویرانگر محیط زیست است، طفره برونند. جنبش سبز اگر فارغ از این محاسبات عمل نکند، از رسالت خود باز می ماند.

۳- تلاش برای استقلال جنبش سبز از دولت و سازمانهای مشخص سیاسی به معنای غیر سیاسی بودن این جنبش نیست. از آنجا که بخش مهمی از فاجعه زیست محیطی کنونی متوجه شیوه مدیریت حکومتگران است، خواه ناخواه نقد سیاست از زاویه حفظ محیط زیست اجتناب ناپذیر است. از سوی دیگر یک جنبش سبز با گرایش سیاسی هنگامی موفق خواهد بود که از حیثه مسئولیت و رسالت خود خارج نشود و هر اقدام و موضعگیری سیاسی اش در ارتباط با محیط زیست باشد.

۴- مسأله محیط زیست، امری فراطبقاتی است. ازینرو جنبش سبز نیز خصلتی فراطبقاتی دارد. موفقیت جنبش سبز در گروهی آن خواهد بود که بتواند به اقشار و طبقه های مختلف اجتماعی تفهیم کند که ویرانی محیط زیست منافع همه را تهدید می کند.

۵- جنبش سبز بدون داشتن یک سیاست راهبردی دچار خرده کاری خواهد شد که در نهایت فعالیت اش به جمع آوری زباله محدود خواهد ماند! این همان چیزی است که حکومت اسلامی خواهان آنست.

تلاش برای تدوین یک سیاست ملی محیط زیستی که از جمله شامل طرحهایی برای دفع زباله های جدید صنعتی (نظیر قطعات اسقاط رایانه که برخی از آنها حاوی مواد بسیار سمی اند)، شرط گذاری زیست محیطی برای سرمایه گذاری های خارجی در ایران، شرایط ورود فن آوری به کشور و ... است، گامی است عملی برای پرهیز از افتادن در دام خرده کاری.

۶- حفظ محیط زیست مسأله ای است جهانی و منطقه ای. ازینرو جنبش سبز تنها در پیوند با جنبش حفظ محیط زیست در سطح جهان و بویژه منطقه می تواند به هدفهای خود دست یابد. پیش شرط چنین پیوندی، اتحاد و پیوند سازمانها و تشکل های

طرفدار محیط زیست در چارچوب واحد ملی ایران است. بطور همزمان تلاش در راه انعقاد قراردادهای منطقه ای و ایجاد سازمانهای ناظر بر محیط زیست در سطح منطقه گامی مهم در راه حفظ محیط زیست کشور ماست.



زمانی ایران به کشور شیران شهرت داشت. در نتیجه سهل انگاری نسل های پیشین امروزه این شهرت به نام بی مسمایی بدل شده است. اگر می خواهیم که کودکان ایرانی آب زهرآگین ننوشند و هوای مسموم تنفس نکنند؛ اگر می خواهیم که آیندگان تنها عکسی از جنگل را در کتابها نبینند؛ اگر می خواهیم که از ایران مخروبه ای باقی نماند و اگر می خواهیم که نسل های آتی انگشت اشاره خود را بسوی ما بعنوان نابود کنندگان مبنای زندگی شان نگیرند، جنبش سبز را تقویت کنیم!

#### منابع

- ۱- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۹/۲۰
- ۲- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۹/۱۶
- ۳- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۷/۷/۱۴
- ۴- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۳/۲۰
- ۵- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۵/۲۹
- ۶- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۴/۱۴
- ۷- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۴/۱۰
- ۸- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۴/۲۶
- ۹- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۲/۲
- ۱۰- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۶/۱۴
- ۱۱- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۹/۱۷
- ۱۲- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۳/۱۳
- ۱۳- نگاه کنید به منبع شماره ۸
- ۱۴- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۳/۱
- ۱۵- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۸/۲۵
- ۱۶- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۵/۱۴
- ۱۷- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۵/۱۹
- ۱۸- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۱/۲۵
- ۱۹- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۱۰/۲۳
- ۲۰- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۸/۱۸
- ۲۱- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۹/۱۶
- ۲۲- روزنامه اطلاعات ۱۳۷۸/۷/۲۷
- ۲۳- خانم ابتکار، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۷/۷